

می‌گویند، می‌گویند هر داستانی درست است. بنده تمام اینها را تکذیب می‌کنم.

● اگر شما در انتخابات ریاست جمهوری موفق شوید و مردم به شما رأی بدهند، در زمینه سیاست خارجی چه برنامه‌هایی دارید. یکی از گره‌های موجود در سیاست خارجی رابطه با آمریکا است. فکر می‌کنید به چه سرانجامی برسد؟

رابطه با کشورهای خارجی بر اساس منافع، سوابق و فرهنگ ملت‌ها تنظیم می‌شود. ما باید با همه کشورهای مسلمان رابطه‌ای صمیمانه و همکاری جدی داشته باشیم. در مورد کشورهای همسایه نیز هر مقدار می‌توانیم باید با هم مرتبط و متحد باشیم. حتی روابط ما به حد روابط اروپای واحد برسد. اروپایی‌ها با اینکه این همه با هم جنگ و دعوا داشتند، ۳۵ سال فرانسه با انگلیس جنگید، هر دو اینها با آلمان جنگیدند، و الان می‌گویند اروپای واحد. در جهان امروز بازار و مسائل اقتصادی به گونه‌ای است که همان آمریکا وضعیتش اینطور است که هم مغزها و هم سرمایه‌ها، هم امکانات را می‌برد و الان به مرکز اقتصاد عالم تبدیل شده است، همه اقتصادها پیرامونی شده‌اند. اگر ما نتوانیم دور و برخودمان را جمع کنیم، هم دشمن می‌تواند منافع ما را غارت کند، هم فرهنگ و امنیت ما را مورد تهاجم قرار می‌دهد. مهم‌تر از همه نمی‌توانیم رشد اقتصادی داشته باشیم. اما در رابطه با آمریکا حرف امام حرف درستی است. امام می‌فرماید در حوزه مسائل اقتصادی و نظامی رابطه ما با آمریکا رابطه گرگ و میش است. بالاخره وضعیت آمریکا از لحاظ نظامی و اقتصادی مسلم است. یک پنجم ثروت دنیا آنجاست. با تعبیر امام آمریکا به خاطر آن دستگاه عظیم خبری، سیاسی، اطلاعاتی و نظامی شیطان بزرگ است. امام می‌گوید رابطه ما با آمریکا رابطه گرگ و میش است. این، دو پیام با خود دارد. آنها می‌خواهند به شما تحکم کنند و می‌خواهند مثل گرگ شما را پاره کنند، مصلحت نیست آدمی که نمی‌تواند جلوی گرگ برود. پیام دیگری هم دارد، من می‌گویم چرا جوانان و ملت ما و مطبوعات ما به آن توجه نمی‌کنند و باید بیشتر به آن توجه کنند که شما باید سعی کنید شیر بشوید. هر وقت ما توانستیم در مقابل آمریکا بایستیم که او به ما تحکم نکند، روابط برابر داشته باشیم، [آن وقت] همکاری اقتصادی، سیاسی، آموزشی و... داشته باشیم. آنها نگویند ما ابرقدرت هستیم و هر چه می‌گوئیم شما عمل کنید. اگر چنین بود ما برای چه انقلاب کردیم. اگر آمریکا همچنان بخواهد این تحکم را داشته باشد، چنانکه الان در دنیا این کار را انجام می‌دهد، به هر کشوری می‌گوید این دستور ما را اجرا کنید. می‌گویند ما چنین کاری

نمی‌کنیم، آمریکایی می‌گوید ما شما را تحریم می‌کنیم. چون پول دارند، چون روابط اقتصادی دارند، قدرت دارند. حتی به کشورهای دیگر فشار وارد می‌کنند که با ما روابط اقتصادی برقرار نکنند. نمی‌شود این رابطه استکباری را بپذیریم. به نفع ما نیست، به نفع هیچ کشوری نبوده است که زیر سلطه برود، ما سلطه نمی‌پذیریم ولی عقیده‌ام این است که چون ما ملت باهوش، مومن و مبتکری داریم، در بخش آموزش و صنعت سرمایه‌گذاری کنیم و به تکنولوژی پیشرفته دست پیدا کنیم آمریکا هم مجبور است در معادلات به عنوان یک کشور قدرتمند با ما صحبت کند.

● با توجه به اینکه مجلس ششم مجلس متفاوتی است اگر به ریاست جمهوری انتخاب شوید فکر می‌کنید با این مجلس چگونه می‌توانید کنار بیایید؟

فکر نمی‌کنم با مجلس مشکلی داشته باشم. مجلس قوه مقننه است و الان شعارش اصلاحات است. یکی از آرزوهای من هم اصلاحات در قوانین است. یقیناً آنها هم می‌خواهند بر اساس زمان قوانین را اصلاح کنند. شاید یکی از بهترین آرزوهای من تحقق این شعار است. ما مشکلی با مجلس نداریم. البته آنها ممکن است خودشان مشکل داشته باشند برای اینکه بعضی از آنها تازه وارد هستند. ولی ما فکر می‌کنیم که تمام قوانین را در تمام بخشها به مجلس ارجاع می‌دهیم و مجلس هم مجلسی پرکار خواهد شد و فعالیتش را گسترش خواهد داد و می‌تواند خدمت بزرگی انجام دهد. البته اگر این سیاست - که سیاست من هم نیست، خودشان گفته‌اند - اصلاحات در حوزه قوانین باشد. البته نمی‌خواهم بگویم که مجالس قبلی کارشان اصلاحات نبوده است.

● در افکار عمومی این تصور وجود دارد که شما از نظر فکری و جناحی در طیف راست قرار دارید، اما آقای مهندس باهنر از کاندیداتوری شما استقبال نکرد، فکر می‌کنید آقای مهندس باهنر چرا با حضور شما در انتخابات مخالفت کرد؟

این تبلیغاتی است که بعضی مطبوعات انجام دادند که مثلاً از زمان انقلاب حتی زمانی که شهید بهشتی زنده بود توصیه ایشان این بود که مدرسه حقانی باید مستقل باشد. الان هم توصیه مقام معظم رهبری و مسئولین این است که مستقل باشد و جناحی نباشد. ما گروهی از تربیت یافتگان مدرسه حقانی هستیم که برای خدمت در هر صحنه‌ای آماده هستیم. نه گرایش به راست داریم نه به چپ. نه اینکه خودمان ایده نداشته باشیم شاید بشود به ما گفت خط سه. ما در مورد مفاهیمی که راست و چپ دارند تعاریف جدیدی داریم. ما مستقل هستیم،

طبیعی است چون ما مستقل هستیم، جناح رقیب خیلی موافق نباشد که ما بیاییم.

● یعنی آقای باهنر در جناح رقیب شما قرار دارند؟

بحثی در جامعه وجود دارد به نام بحث ولایت. ما در طیفی قرار می‌گیریم که به ولایت فقیه عقیده دارند. ما روی این مسئله تأکید داریم و تبلیغ می‌کنیم. نمی‌خواهم بگویم دیگران قبول ندارند. ما بر این مسئله به عنوان مسئله محوری تأکید می‌کنیم. دیگران هم که روی آن تأکید می‌کنند نه اینکه عقیده نداشته باشند، ولی ما خیلی تأکید داریم، به عنوان محور امنیت ملی، محور معنویت کشور و تمام مسائل کشور واقعاً اعتقاد ما این است که کشور باید یک فصل الخطاب داشته باشد. اصلاً ما با این تزلزل کردیم. یعنی با امام، ما با تزلزل ولایت فقیه آشنا شدیم. عقیده ما این است. آنها هم این شعار را می‌دهند.

● آقای باهنر نظرشان این بود که اگر شما وارد صحنه بشوید دوباره سرپرونده قتلها باز می‌شود، این پرونده قتلها یک جوری به شما چسبیده است.

ایشان این موضوع را بهانه کرده است و الا وقتی دادگاه تشکیل می‌شود و نامی از بنده به میان نمی‌آید، این حادثه هم در زمان من رخ نداده است، طرف مقابل هم برای اینکه پرونده‌ای را که تمام شده دوباره زنده بکند به طرف مقابلش این اتهام را می‌زند که تو می‌خواهی علیه کاندیداهای مستقل جوسازی کنی. تازه به من اتهام نمی‌زند. من معتقدم که طرف مقابل باید به او پاسخ بدهد که ما می‌خواهیم انتخابات سالم برگزار کنیم. انتخابات بحث و گفتگویی است راجع به سیاستهای اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، اجرایی... این قضیه چه ربطی به پرونده‌ای دارد که دادگاه به آن رسیدگی کرده و تمام شده است. می‌خواهد بگوید جناح مقابل ما این قدر سوژه و مطلب ندارد که فقط همین یک سوژه است. سه سال کوبیده است و می‌خواهد که آن را ادامه بدهد. به تعبیر اینها لقب چربی است که نمی‌خواهد بر زمین بگذارد، طرف مقابل نباید این اتهام را قبول کند. به من اتهام نزده به شما اتهام زده است.

● شما می‌گوئید تمام شده است اما واقعیت این است که چطور افکار عمومی را می‌توان قانع کرد؟

شما بنده را سه سال به ظلم و...

● لطفاً عنایت داشته باشید که ما طرف خطاب شما نباشیم.

منظورم مطبوعات است. حادثه‌ای که در زمان من نبوده است، مرا کنار آن حادثه

گذاشته اند، که در ذهن افکار عمومی این زمان حذف بشود. با تبلیغات این کار را می توان انجام داد. شما قبول دارید که می شود یا نه. اگر قبول ندارید که نمی توانید خبرنگار مطبوعات باشید. این تبلیغات را انجام دادند. در یک کلام بعد از حکم دادگاه هم باز گفتند بنده هستم من نمی خواهم از من عذرخواهی کنند یا بگویند ما در این باره اشتباه کردیم. چه اشکالی داشت. حال نگفتید، دو مرتبه مثل آدمهای عقده ای که یک چیز را حالی اش کردی چرا ادامه می دهید. یعنی طرف مقابل من عقده ای است چون طرف مقابل من عقده ای است تو نیا حرف بزنی. این یعنی چه؟ بنده یک رسالت انسانی و اسلامی دارم. چرا این معنا را بپذیریم. آن را که حساب پاک است از محاسبه چه پاک است. مسئولین که در این پرونده بودند حتی بزرگان آنها به من گفتند تو با مظلومیت و نجابت تحمل کردی. تحمل من هم به خاطر این بود که این پرونده روشن شود. هیچ چیزی در افکار عمومی مهم تر از حکم قاضی نیست. نکته دیگر اینکه من هر حرفی می زدم تشنج ادامه پیدا می کرد. من خودم محور نبودم من به خاطر امنیت ملی، حفظ آرامش این عقیده را دارم. واقعاً بستر پیشرفت های فنی و اقتصادی آرامش در جامعه است. این مهم ترین سیاست من است. نه اینکه بحث و گفتگو نباشد. دعوا و درگیری و متهم کردن، اعصاب همدیگر را خرد کردن، این را من قبول ندارم. بنابراین چون من آن را قبول نداشتم گفتم بگذار به بنده فحش بدهند، ولی من چندبار گفتم من نیومدم.

● ولی حاج آقا...

ولی یک عده با من خرده حساب دارند. من ۲۰ سال کار امنیتی کرده ام. به من کمترین انتقادات وارد شده است. من جزو بهترین ها در سطح جهان هستم، از نظر اینکه کمترین انتقاد به بنده وارد شده است.

● الان این بحث مطرح شده و شما هم ظاهراً اذیت شده اید.
اذیت که چه عرض کنم. به من تهمت زدند.

● به هر حال الان برای این پرونده حکم صادر شده است. نظراتان در این باره چیست. شما پیشتر گفته بودید که ۱۶ نفر حکم برائت می گیرند در حالی که چنین نشد.
آنها را که گفتم اصلاً به دادگاه نبردند. قبلاً مسأله آنها حل و فصل شد.

● گویا شما در مشهد گفته بودید که سه نفر محکومیت می گیرند بقیه آزاد می شوند.
نه، این را بی خودی نوشته بودند، اصلاً من مصاحبه ای در مشهد نکرده بودم. بعضی

وقت ها دانشجویان می آیند و می گویند بیائید یک بحث خصوصی بکنیم. دانشجویان دانشگاه رضوی یک بحث کارشناسی با من داشتند. نمی دانم خبرنگار از کجا پیدا شد که چیزهایی را به من نسبت داد. من اصلاً چنین چیزهایی نگفته بودم.

● نمی دانم درست است یا نه، که به شما نسبت داده بودند، همان موقع که اسم شما - از قول شما نقل شده بود که گفته ای که به شما نسبت دادند درست است یا نه؟ مطرح شد شما گفتید که اگر من بخواهم به دادگاه بروم، من به رئیس سنجاق شده ام.
نه، دروغ است. آنها سوال کردند. آنها می خواستند از من عبور بدهند و به آقای هاشمی برسند. می خواستند آقای هاشمی را خراب کنند. من بارها گفته ام که من خودم را به کسی سنجاق نکرده ام. آنها آن را به عکس مطرح کردند. چون می خواستند آن خط را ادامه بدهند. شما قبول کنید که بعضی از نویسندگان با من خرده حساب دارند. من هم آدمی نیستم که بیایم اسرار آنها را هویدا کنم.

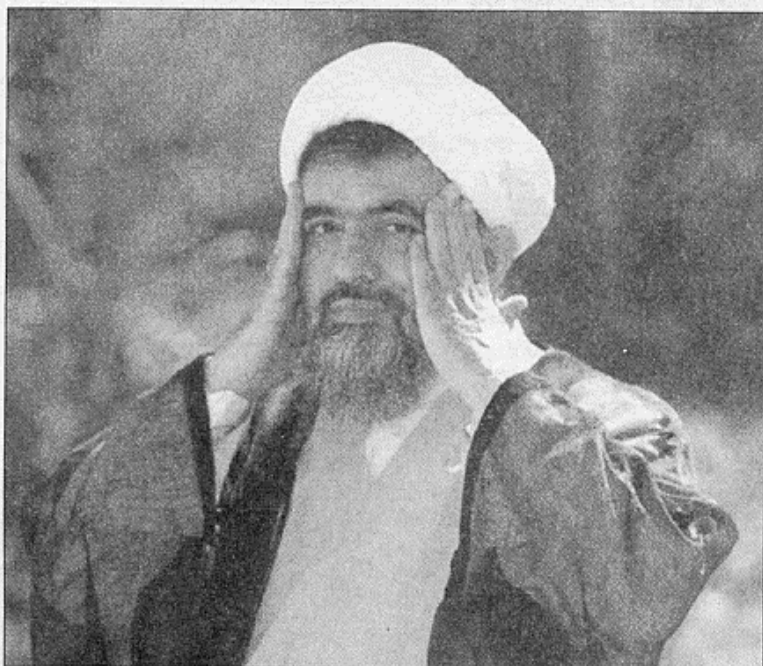
● بهر حال مردم با این بحث ها نسبت به

کارهای داخل وزارت اطلاعات مثل شیر از سه کارهای خود دفاع می کنم، هیچ مشکلی هم ندارم. از هیچ کس هم نه حمایت می خواهم، نه خودم را به کسی سنجاق کرده ام. نه کسی را متهم می کنم.

● در سالگرد قتل سیامک سنجری، به گزارش خبرنگار ما که در بهشت زهرا حضور داشت، ده ها نفر ایستاده بودند و خانواده او با گریه می گفتند که کارت دعوت برای عروسی او را با دست خط خودش برای کسانی که او را کشتند، نوشت. این ها را مردم می شنیدند و طبعاً برایشان پرسشهایی مطرح است.

در دادگاه آقای باقی هم موضوعاتی از این دست مطرح شد. در باره افرادی سخن گفته شد که به قتل رسیده بودند و قاتلان آنها دستگیر شده بودند، ایشان این قتل ها را به ما نسبت داد. آخر این چه حرفی است.

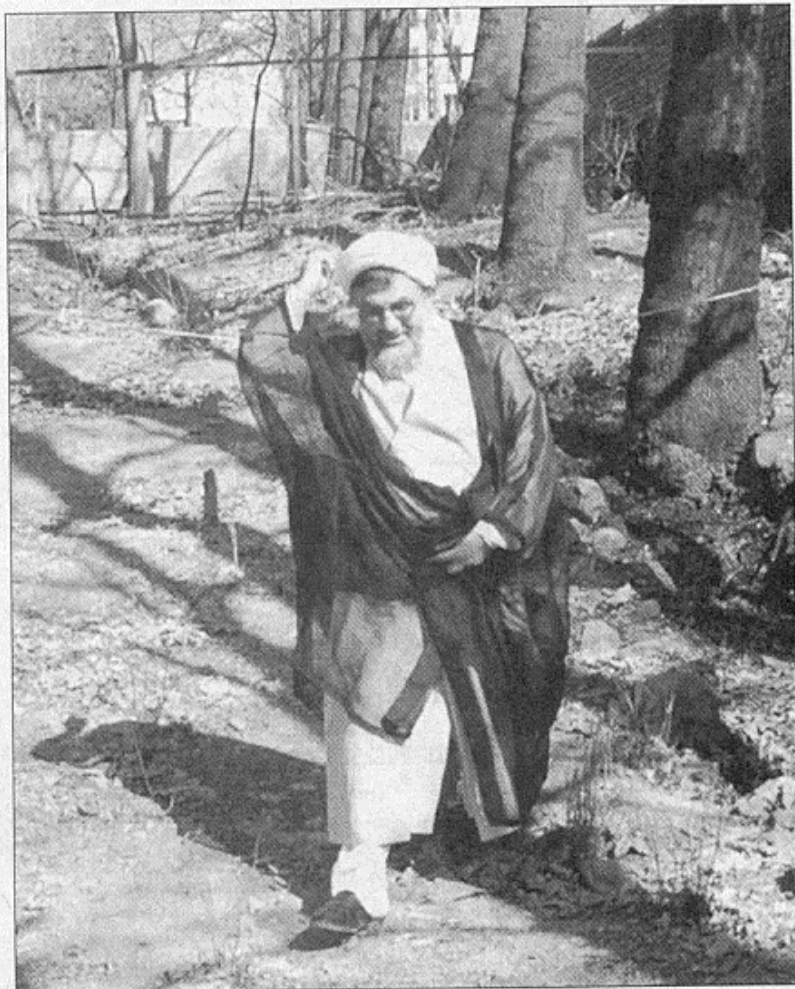
● در مورد مرحوم حاج احمد خمینی هم مطرح شد که ایشان به قتل رسیده است. حتی در دادگاه آقای باقی مطرح شد که آقای نیازی این موضوع را به آقای حسن خمینی گفته است.



نخیر، بعد که معلوم شد این ها دروغ بوده. در این ماجرا که پیش آمد هزاران دروغ و داستان درست شد. من فکر می کردم بعد از این که این هفت، هشت نفری را که به این اتهامات گرفته بودند و تحت فشار بودند، آزاد شدند و به مجلس آمدند و مجلسیان هم گریه

ماجرایی که در مملکت اتفاق افتاده بیشتر روشن می شوند.

بارها گفته ام من خودم را به کسی سنجاق نکرده ام. فلاحیان خودش مستقل است. به لحاظ سیاسی مستقل است. در همین مسئله، در



کردند، دیگر معلوم شده که این موضوعات دروغ بوده است. خود حاج حسن آقا بعد متوجه شدند. شما دوباره دارید کالبد شکافی تاریخی می کنید. من که مسؤول این کار نیستم. آن ها که گفتند بروید از آن ها پرسید.

● به نظر شما آقای سعید امامی چطور آدمی بود؟

بحث دیگری که در پرونده قتل ها مطرح شد این بود که عده زیادی در وزارت اطلاعات کارهای خلاف زیادی انجام داده اند که بعد معلوم شد کسانی که چنین اعترافاتی کرده اند دروغ گفته اند. حتی آن هایی که دستگیر شده بودند، آزاد شدند و کسانی که از آن ها بازجویی کرده بودند الان تحت تعقیب هستند. در مورد سعید امامی، تا زمانی که من بودم مشکلی از او ندیدم. اگر حرفی در باره او هست، من واقعا از آن مطلع نیستم. اینکه بعد از من او خلاف کرده است یا نه، نمی دانم. طبق قانون اساسی اگر در دادگاه حکمی علیه کسی صادر نشده باشد، اصل بر برائت است. ما چیز بدی از او ندیدیم. اگر چیز بدی دیده بودیم، باید برخورد می کردیم. ایشان معاون من بود و بعد بیمار شد که حالا نمی خواهم در باره آن صحبت کنم و وارد آن داستان شوم. ایشان یک سال قبل از اینکه دوران وزارت من تمام شود، از معاونت امنیت به معاونت بررسی رفتند و بعد از من هم ایشان مشاور شدند. ایشان در رده عملیاتی وزارت اطلاعات نبودند. به فرض اینکه ایشان حرفی زده باشد، اعتباری ندارد. ببینید برای هر کاری حرف یک کسی اعتبار دارد. برای اینکه بخواهند شما را دستگیر کنند، حکم قضایی لازم است. برای اینکه بخواهند به شما حکم پرسنلی بدهند، حکم قضایی فایده ندارد و باید رئیس امضاء کند. در وزارت اطلاعات هم همینطور است. کارهای اجرایی به وزیر و معاونین وزیر مربوط است، ولی یک وقت قرار است کار قضایی صورت بگیرد، یعنی حکمی می خواهد عمل شود، آنجا نیاز به حکم مکتوب قضایی است. توجه می کنید.

شما ما را باز به جایی می برید که هاله ای دور ما درست شود. این ها را تیرسید. این روزنامه ها ما را لای سعید امامی، سلیمک سنجری، عالیخانی و اینها می پیچند.

● به هر حال طرح این مباحث لازم است تا مردم از موضوعات آگاه باشند.

● بله، اما درباره این مسایل هنوز ابهاماتی دارند.

هر کس که از من دلخوری دارد، این موضوعات را برمی دارد و علیه من جنگ تبلیغاتی راه می اندازد. حالا سوالتان را بفرمایید.

● می خواستم بیرسم تحلیل شما به عنوان یک شخصیت اطلاعاتی - امنیتی از ترور آقای حجاریان چیست؟

من واقعا پرونده شان را نخوانده ام و هیچوقت در باره اینکه چرا این کار را کرده اند، فکر نکرده ام. ولی وقتی این اتفاق

● وقتی انتخابات دوم خرداد برگزار شد، شما وزیر اطلاعات بودید، تحلیل وزارت اطلاعات آن موقع از وضعیت چه بود و آیا تصور می کردید که آقای خاتمی ۲۰ میلیون رأی بیاورد؟

وزارت اطلاعات سیستم افکارسنجی داشت و افکار سنجی ما بعد از عید نشان داد که آقای خاتمی ۵۲ درصد آرا و آقای ناطق ۲۷ درصد رأی را می آورد. افکار سنجی صدا و سیما هم نسبت آرا را ۴۰ به ۲۰ نشان می داد که به مسؤولان منعکس شد.

● سوالی در باره ترور آقای حجاریان ...

افتاد، به لحاظ اینکه احساس می کردم سوزهای برای بحران در جامعه شده است، خیلی ناراحت شدم. یعنی یکی از مواردی که من خیلی ناراحت شدم این بود که همچون حادثه ای می تواند منبتی یک فتنه باشد. اساسا راجع به قتل هایی که انجام می شد من به همان حرفی که مقام معظم رهبری زدند واقعا ایمان دارم که دستگاه هایی هستند که قتل و چنین حوادث و در زبان عامیانه پیراهن عسانی درست می کنند تا طرف مقابل کوبیده شود. من واقعا از اینکه در جامعه چنین سوزهای درست شود به شدت ناراحت هستم و آن را برای روحیه ملت و شادابی ملت مضر می دانم. اصلا این مضر است که همه ملت به هم بدبین باشند و همه اش از این حرف ها بزنند. من یک روزنامه ای را دیدم که چند تا از این تیترهای تند زده بود. گفتم آخر شما چرا بچه مردم را می جسیید؟ آدم وقتی این موضوعات را می خواند اعضایش خرد می شود، نگهدارید مطالبتان آخر یک ذره هم شادی آفرین باشد. آخر خود شما از شادی و آزادی و این ها